

## سخنان آقای جواد منصوری درباره خانم مرضیه حدیدچی (خواهر دباغ)

### شورای فرماندهی تشکیل سپاه

دوم اردیبهشت ۵۸ حکم فرماندهی سپاه و دیگر اعضای شورای فرماندهی به امضای دبیر شورای انقلاب که شهید بهشتی بودند رسید. البته ما کارمان را به صورت پراکنده قبل از این تاریخ شروع کرده بودیم؛ در واقع از ۲۳ بهمن مشغول بودیم و از ۱۲ اردیبهشت به بعد رسماً تشکیلات، مهر، دفتر، آرم و سربرگ تماماً یکی شد و به این ترتیب به دستگاه‌های مختلف و مطبوعات اعلام شد و به این ترتیب رسماً سپاه کارش را شروع کرد. حرکت‌های بعد از انقلاب همچون خود انقلاب کاملاً خودجوش بود؛ کما اینکه کمیته‌های انقلاب در سراسر کشور نیز با حضور خودجوش جوانان علاقه مند به انقلاب تشکیل شد. سپاه پاسداران هم به همین ترتیب قوام یافت. اما طبیعتاً کسانی به سپاه پاسداران پیوستند که از لحاظ سیاسی، اعتقادی، سابقه مبارزاتی و کار تشکیلاتی نسبت به کسانی که در بخش‌های دیگر حفاظت از نظام فعال بودند از مراتب بالاتری برخوردار بودند و به عبارت دیگر سابقه دقیق‌تر و روشن‌تری داشتند. نگاهی به نیروهای اولیه سپاه پاسداران نشان می‌دهد که این نیروها اکثراً سابقه زندان و مبارزه داشتند که خانم دباغ نیز از همین جنس افراد بود. رویکرد جذب این نیروها از سوی سپاه این بود که هنگام تاسیس این نهاد انقلابی در هر شهرستان ابتدا نیروهای انقلابی که شناخته شده بودند به عنوان گروه مؤسس سپاه و اولین شورای فرماندهی سپاه در همان شهرستان معرفی شوند. طبعاً در تلاش برای تشکیل سپاه همدان نیز دنبال کسی بودیم که سابقه مبارزه و انقلاب داشته و با کار تشکیلاتی، نظامی و امنیتی آشنایی اجمالی داشته باشد اینجا بود که به پیشنهاد برخی از دوستان از جمله شهید مدنی خانم دباغ به عنوان فرمانده سپاه همدان پیشنهاد شد. برای تاسیس سپاه در هر شهر و استان ابتدا شورای فرماندهی انتخاب می‌شد. این شورا نیز کارهایی از قبیل عضوگیری، سازماندهی و آموزش نیروها را انجام می‌داد.

## کارهای تأثیرگذار در منطقه

از طرف شورای انقلاب رسماً به عنوان اولین فرمانده سپاه پاسداران منصوب شدم و حکم گرفتم و به کار پرداختم و در جریان فعالیتهای مربوط به سپاه، در همین دوران بود که با خواهر دباغ آشنا شدم. (البته پیش از این نام ایشان را در زندان و... به عنوان مبارز شنیده بودم) از ویژگیهای بارز ایشان، داشتن انرژی مضاعف، شور و حال فراوان و احساس شدید مسئولیت نسبت به انقلاب اسلامی و مردم بود که برای من بسیار قابل توجه بود. خواهر دباغ در سپاه در موقعی که فرمانده سپاه همدان بودند کارهایی را انجام دادند که بسیار تأثیرگذار بود. به هر حال وضعیت خاصی که آن روزها در آن منطقه وجود داشت و نیز با توجه به نوپا بودن انقلاب و اینکه تقریباً تا یک مدت کسی نبود که مسئولیت خطیر را بر عهده بگیرد، همه وهمه لیاقت و شایستگی خواهر دباغ را نشان می داد که چگونه علی رغم زن بودنشان، مردانه عمل می کردند.

## موفقیت خانم دباغ در انجام وظایف محوله و توسعه سپاه پاسداران همدان

از همان ابتدای تاسیس سپاه دفتری با عنوان امور استانها تاسیس شد. مسئولیت این دفتر به عهده یکی از فرماندهان به نام عبدالله محمودزاده قرار داشت. کار این دفتر شناسایی نیروها برای تاسیس سپاه در شهرستان ها بود، ماموریت دیگر آن نظارت بر عملکرد فرماندهان و سپاه شهرستان ها، سوم پیشنهاد برای تغییرات عزل و نصب افراد و وظیفه چهارم نیز توسعه تشکیلات سپاه در استان ها و شهرستان ها این دفتر بسیار فعال بود و تعداد زیادی از نیروهای بسیار شایسته سپاه در شهرستانها از سوی این دفتر جذب این نهاد انقلابی شد. ارزیابی های این دفتر حاکی از موفقیت خانم دباغ در انجام وظایف محوله و توسعه سپاه همدان بود. فعالیت این نیروها بود که سبب شد هنگام آغاز جنگ تحمیلی سراسر کشور از ماکو در شمال غرب کشور تا چابهار از سرخس تا

خرمشهر سپاه پاسداران تشکیل و فعال شده باشد. به این ترتیب در آغاز جنگ در همه بخشها و نقاط کشور سپاه فعال بود و این نکته بسیار عجیبی است در عرف عادی دنیا چنین چیزی امکان ندارد. نیروهای ما در برخی شهرستان ها با حداقل امکانات مالی فعالیت می کردند. به همین دلیل بود که دشمن هنگام حمله به ایران نمی دانست چنین جریانی هست و اصلا باور نمی کرد و نمی دانست که بسیج چیست یا سپاه چیست. اصلا دشمن نمی توانست بفهمد که خانم دباغها میان جمعیت ایران چه کار می کنند.